

شناسایی علل مشکلات تأمین سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط کشور

روح‌الله نوری^{۱*}، سعید فتحی^۲، لیلا یگانه^۳

۱- استادیار گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

moori@khu.ac.ir

۲- دانشیار گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

fathiresearch@yahoo.com

۳- کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران

1.yeganeh2000@yahoo.com

چکیده

شرکت‌های کوچک و متوسط نقش مهمی در اقتصاد ملی و توسعه کشورها ایفا می‌کنند. با وجود این، با مشکلات زیادی از قبیل نداشتن دسترسی کافی و بموقع به سرمایه در گردش مواجه هستند. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی مسئله دسترسی بموقع و کافی به تأمین مالی سرمایه در گردش است که یکی از مشکلات اساسی شرکت‌های کوچک و متوسط به شمار می‌آید؛ بنابراین این پژوهش کاربردی و توصیفی با استفاده از روش‌های جمع‌آوری داده‌های کیفی از مدیران منتخب شرکت‌های کوچک و متوسط مستقر در شهرک‌های صنعتی تهران، قزوین، البرز و مازندران انجام شده است. به همین منظور، ابتدا ویژگی‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط و مبانی و مفاهیم نظری سرمایه در گردش بررسی شد. در ادامه، ریشه‌ها و دلایل دسترسی نداشتن بموقع و کافی به منابع سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط در مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین شناسایی شد. در نهایت، با استفاده از مصاحبه هدفمند و عمیق با مدیران بنگاه‌های منتخب، نظرات آنان در خصوص موانع و مشکلات تأمین سرمایه در گردش بر مبنای پرسش‌های نیمه‌ساختاریافته مستخرج از مبانی نظری، دریافت شد. نتایج حاصل از پژوهش به روش Top Ten نشان داد، موانع و مشکلات تأمین بموقع سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط در دو حوزه بیرونی و درونی، یعنی طرف عرضه و طرف تقاضای منابع مالی، درخور بررسی است.

واژه‌های کلیدی: تأمین مالی، سرمایه در گردش، بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs)، شرکت شهرک‌های صنعتی

مقدمه

مؤسسات کوچک و متوسط (SMEs) یکی از بازیگران کلیدی در نوآوری و توسعه اقتصادی کشورها هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تعریف صنایع کوچک و متوسط در میان کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت است و شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر کشورها، معرف صنایع کوچک و متوسط در آنها است. در این پژوهش برای تعریف شرکت‌های کوچک و متوسط [۱۰] و سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران از تعریف مرکز آمار ایران استفاده شد که بر اساس آن شرکت‌های دارای ۱۰ تا ۱۵۰ نفر نیروی کار، جزء شرکت‌های کوچک و متوسط محسوب می‌شوند. کانون اصلی تحول سیاسی و اقتصادی هر کشوری، توسعه بخش خصوصی، توسعه کارآفرینی و گسترش شرکت‌های کوچک و متوسط است [۲۵]. این بنگاه‌ها یکی از نیروهای محرک اصلی توسعه اقتصادی هستند. شرکت‌های کوچک و متوسط، مالکیت خصوصی و مهارت‌های کارآفرینی را تقویت می‌کنند، انعطاف‌پذیر هستند و سرعت به تغییرات بازار و موقعیت‌های زنجیره ارزش پاسخ می‌دهند. این شرکت‌ها می‌توانند اشتغال‌زایی کنند، به فعالیت‌های اقتصادی تنوع ببخشند و به توسعه تجارت و افزایش صادرات کمک کنند. این شرکت‌ها نقش مهمی در نوآوری و کسب و کارهای نوین و با فناوری پیشرفته ایفا می‌کنند؛ به طوری که بسیاری از آنها به دلیل انعطاف‌پذیری و خلاقیتی که دارند، به بنگاه‌های بزرگ تبدیل می‌شوند [۲۵، ۲۶، ۳۳، ۳۴، ۳۵]. با وجود نقش مهم این شرکت‌ها در توسعه اقتصاد، آنها با مشکلات زیادی مواجه هستند که یکی از این مسائل، دسترسی نداشتن کافی و بموقع این بنگاه‌ها به سرمایه در گردش است. در حقیقت، سرمایه در گردش، «جریان خون» یا

«اعصاب کنترل‌کننده» یک واحد صنعتی یا تجاری است. خالص سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های روزانه را سرمایه در گردش گویند. سرمایه در گردش برابر با فزونی دارایی‌های جاری از بدهی‌های جاری است و در واقع حاشیه اطمینان و ایمنی برای طلبکاران به شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر، سرمایه در گردش یک شرکت، مجموعه‌ی مبالغی است که در دارایی‌های جاری، سرمایه‌گذاری می‌شود. اگر بدهی‌های جاری از دارایی‌های جاری یک شرکت کسر شود، سرمایه در گردش خالص به دست می‌آید [۸].

بنابراین مسئله‌ای که در این پژوهش بررسی می‌شود، دسترسی بموقع و کافی به سرمایه در گردش است که یکی از مشکلات اساسی شرکت‌های کوچک و متوسط است. در این مقاله تلاش می‌شود مبانی نظری و ادبیات این مسئله، با استفاده از روش‌شناسی پژوهش ترکیبی بررسی و تبیین و به مطالعه تجربیات دیگر کشورها توجه شود. سپس با تعامل و مصاحبه با شرکت‌های کوچک و متوسط و دیگر دست‌اندرکاران موضوع، علل ریشه‌ای بروز مشکلات دسترسی به سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط ایران شناسایی شود؛ همچنین موانع و مشکلات تأمین بموقع سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط در دو حوزه بیرونی و درونی، یعنی طرف عرضه منابع مالی و نیز طرف تقاضای منابع مالی، بررسی شود.

پیشینه پژوهش

نتایج بسیاری از مطالعات درباره ناموفق بودن شرکت‌های کوچک و متوسط نشان می‌دهد «کمبود سرمایه» عامل اصلی ورشکستگی آنها است [۵، ۳۵،

می‌انجامد. پداجی^۱ (۲۰۰۶) با بررسی ۵۸ شرکت کوچک و متوسط کشور موریتانی، طی یک دوره ۵ ساله به این نتیجه رسید که بین متغیرهای مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری شرکت، رابطه‌ای قوی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد افزایش چرخه تبدیل وجه نقد، به کاهش سودآوری شرکت می‌انجامد و مدیریت می‌تواند با کاهش این چرخه برای سهام‌داران خود ارزش ایجاد کند. بانک جهانی (۲۰۰۲) با بررسی ۹۷۰۰ شرکت کوچک و متوسط در ۱۵ کشور اروپای شرقی، نشان داد بین سودآوری و تأمین مالی از طریق مدیریت سرمایه در گردش، رابطه مثبت وجود دارد و شرکت‌های بزرگ‌تر با عمر بیشتر، نسبت‌های نقدینگی کوچک‌تری دارند؛ از این رو پیشنهاد می‌شود که این شرکت‌ها بر تأمین مالی از طریق منابع داخلی تأکید بیشتری داشته باشند [۱۹]. انعام‌الحق و شکیب محمود [۱۷] در خصوص تأمین مالی و سرمایه در گردش شرکت‌های کوچک و متوسط، به بررسی وضعیت شرکت‌های کوچک و متوسط و بخش مالی بنگلادش پرداختند و به مقایسه این شرکت‌ها با چند کشور منتخب اقدام کردند. آن‌ها سپس با شناسایی مسائل و موانع دسترسی بموقع شرکت‌های کوچک و متوسط بنگلادش به منابع مالی، توصیه‌هایی برای رفع این موانع و مشکلات ارائه کردند. موسوی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی مبانی، مشکلات و راهکارهای تأمین مالی، بویژه سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط ایران، پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، مشکلاتی که SMEها در ارتباط با تأمین سرمایه مورد نیاز تجربه کرده‌اند، ممکن است از چند منبع ناشی شود: بازار مالی داخلی ممکن است محصولات و خدمات مالی را به اندازه کافی یا به‌طور کامل فراهم

۳۴، ۲۷، ۲۱، ۱۵]. این مشکل، بزرگ‌ترین عامل بازدارنده بسط و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط در اروپا نیز محسوب می‌شود. طبق گزارش سال ۲۰۰۵ اداره آمار اتحادیه اروپا، مهم‌ترین موانع شناسایی شده برای شروع کسب‌وکار به ترتیب عبارتند از: تأمین مالی، صورت حساب‌های پرداخت نشده و پیدا کردن تأمین‌کننده مناسب است. همه این عوامل با مدیریت سرمایه در گردش ارتباط نزدیکی دارند [۱۹]. طبق همین گزارش از هر ۵ شرکت کوچک و متوسط دارای مشکلات، یکی از آن‌ها با موانع مربوط به دسترسی به منابع مالی روبه‌رو شده است. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، این مسئله را خلأ تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط می‌داند [۲۲، ۲۳]. موسسه مشاوره راهبردی رولند برگر (۲۰۱۱) نشان داد شرکت‌های کوچک و متوسط آلمان برای روند روبه‌رشد و پایدار خود تا سال ۲۰۱۳ به سرمایه‌ای بالغ بر ۵۰ میلیارد یورو نیاز دارند؛ درحالی که این شرکت‌ها به‌طور بالقوه، توانایی تأمین مالی به مبلغ ۱۱۵ میلیارد یورو را از طریق مدیریت بهینه سرمایه در گردش دارند [۳۲]. نتیجه این پژوهش بروشنی اهمیت و توانایی بالقوه «مدیریت بهینه سرمایه در گردش» را در تأمین مالی، بویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط، نشان می‌دهد. تروئل و سولانو [۲۹] با بررسی ۸۸۷۲ شرکت کوچک و متوسط اسپانیایی طی سال‌های ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۲، رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری شرکت‌های کوچک و متوسط را آزمایش کردند. نتایج نشان داد مدیریت می‌تواند با کاهش تعداد روزهای گردش حساب‌های دریافتی و موجودی مواد و کالا، برای شرکت ارزش ایجاد کند. کوتاه کردن چرخه تبدیل وجه نقد نیز به بهبود سودآوری شرکت‌ها

مالی و اقدامات شرکت‌های کوچک و متوسط چین در مقابل آن‌ها پرداخته است. به اعتقاد وی شرکت‌های کوچک و متوسط چینی با مشکلاتی در تأمین سرمایه در گردش خود مواجه هستند که بخصوص بحران مالی اخیر بر حجم این مشکلات افزوده است. وضعیت تأمین مالی این شرکت‌ها در چین، به مشکلاتی چون کانال‌های محدود، هزینه‌های بالا و منابع سرمایه‌ای بی‌ثبات دچار است. گلعلیزاده و همکاران [۹] معتقدند بنگاه‌های نوپای دانش‌بنیان در مرحله معرفی به بازار و رشد از تأمین منابع رنج می‌برند؛ چون نهادهای مالی مناسب این مرحله یا وجود ندارد یا از کارایی مناسب برخوردار نیستند. از سویی سایر نهادهای مالی مثل بانک‌ها علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در این مرحله پرخطر ندارند و از سویی دیگر نیز اگرچه در سال‌های اخیر بانک‌ها در قالب تسهیلات تکلیفی به ارائه وام برای ایجاد این بنگاه‌ها اقدام کرده‌اند، اما طبق آمارهای سال ۱۳۸۶ فقط حدود ۵۰ درصد این وام‌ها جذب شده است. تمجیدی (۱۳۸۵) برنامه جامع تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط هنگ کنگ را بررسی کرده است. بر اساس نتایج این پژوهش، برنامه‌های چهارگانه هنگ کنگ که برای تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط این کشور در سال ۲۰۰۲ با اصلاح برنامه‌های پیشین تصویب و اجرایی شدند، عبارت بود از [۲]:

- ۱- برنامه تضمین وام SMEها؛
 - ۲- صندوق تأمین مالی بازاریابی صادرات SMEها؛
 - ۳- صندوق تأمین مالی آموزش SMEها؛
 - ۴- صندوق توسعه SMEها.
- پرخیده و تاجیک (۱۳۹۱) با نگاهی به چالش‌های تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط ایران [۱]، نشان دادند مهم‌ترین دغدغه این شرکت‌ها،

نکند؛ کمبود سازوکارهای مناسب برای تأمین مالی ممکن است از منابع متنوعی از قبیل انعطاف‌ناپذیری قانونی یا شکاف‌هایی که در چارچوب‌های قانونی وجود دارد، نشأت بگیرد.

سه‌میه‌بندی اعتباری، زمانی اتفاق می‌افتد که از میان متقاضیان وام با شرایط یکسان، برخی از آن‌ها اعتبار دریافت می‌کنند؛ در صورتی که برخی دیگر اعتبار دریافت نمی‌کنند، یا اینکه گروه‌های مشابهی وجود دارند که نمی‌توانند با هر قیمتی اعتبار و وام دریافت کنند؛ همچنین در این پژوهش انواع خدماتی که نهاد مالی توسعه‌ای می‌تواند بر اساس مدت زمان بازگشت سرمایه اولیه و سود حاصل از آن به SMEها ارائه کند، بیان شده است؛ از جمله: [۱۲]:

- الف. سرمایه‌گذاری پرخطر (در این حالت بازگشت سرمایه به صورت کوتاه‌مدت است)؛
 - ب. بانکداری توسعه‌ای (در این حالت بازگشت سرمایه به صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت است)؛
 - ج. تأمین مالی به وسیله نهادهای «DFI»؛
 - د. حمایت از سرمایه‌گذاری (در این حالت بازگشت سرمایه به صورت بلندمدت است).
- شانس (۲۰۱۲) [۲۸] دسترسی شرکت‌های کوچک و متوسط انگلستان به منابع مالی خارجی را بررسی کرد. بر اساس نتایج این پژوهش، تأمین سرمایه در گردش، مهم‌ترین دلیل مدیران SMEها در انگلستان برای تأمین منابع مالی است. از جمله منابع مالی خارجی مورد استفاده SMEها به ترتیب میزان استفاده می‌توان به چک بانکی، کارت‌های اعتباری، وام بانکی/وام تجاری، لیزینگ یا وام خرید، وام یا سهام مدیران، وام یا سهام خانواده یا دوستان، صورت‌حساب‌های مالی، منابع صادرات/واردات، وام از طرف‌های سوم و سایر منابع اشاره کرد. وو (۲۰۱۱) [۳۱] به بررسی مشکلات

کشور و شرکت‌های مستقر در آن‌ها هستند. با بررسی مبانی نظری و مطالعات پیشین داخلی و خارجی در مورد موانع و مشکلات تأمین سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط از یک سو و نیز مصاحبه اکتشافی با چهار تن از مدیران شهرک‌های صنعتی استان تهران و مشورت با خبرگان و دست‌اندرکاران بخش دولتی و خصوصی از سویی دیگر، تلاش شد پرسش‌نامه‌ای استاندارد و البته نیمه-ساختاریافته طراحی شود که با استفاده از آن نسبت به استخراج مشکلات و موانع دسترسی به سرمایه در گردش از نظر صاحبان و مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط مستقر در شهرک‌های صنعتی کشور اقدام شود. چارچوب اصلی پرسش‌نامه بر اساس مبانی نظری در دو بعد عرضه و تقاضای سرمایه در گردش طراحی شد و تلاش شد متغیرهای مورد سؤال در قالب دو بعد فوق به صورت ماتریس جدول ۱ از پاسخگویان پرسیده شود. به منظور انتخاب نمونه مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط مستقر در شهرک‌های صنعتی برای انجام مصاحبه، از روش نمونه‌گیری هدفمند بهره گرفته شد. بر این اساس با توجه به زمان و بودجه طرح و نیز میزان همکاری و تمایل شهرک‌های صنعتی و شرکت‌های مستقر در آن‌ها، شهرک‌های مستقر در تهران، اصفهان، مازندران و قزوین از بین مناطق مختلف کشور شامل شمال، غرب، مرکز و جنوب کشور، برای انجام مصاحبه انتخاب شدند. تعداد شرکت‌های مصاحبه‌شونده بر اساس معیار کفایت اطلاعات^۱، حدود ۸۰ مورد تعیین شد. مصاحبه‌ها در فرآیندی بسیار مشکل و زمان‌بر، آغاز شد و ادامه پیدا کرد. مدیران شرکت‌ها به دلیل بحران اخیر و نیز گرفتاری‌های بسیار

دسترسی به منابع مالی، بویژه سرمایه در گردش، است. در خصوص سرمایه در گردش شرکت‌های کوچک و متوسط هندی، ماریا مینو مونسی (۲۰۱۱) در پژوهشی به مسائل و روش‌های تأمین سرمایه در گردش مؤسسات کوچک و متوسط هندی پرداخته است. وی بر اساس نتایج یافته‌های پژوهش خود، پیشنهادهایی را برای تأمین بموقع سرمایه در گردش شرکت‌های کوچک و متوسط ارائه می‌دهد [۲۱]:

- سیستم رتبه‌بندی اعتباری باید از حالت دستی و سنتی به حالت هوشمند تغییر کند تا رتبه‌بندی سریع‌تر انجام بگیرد و نتایج آن اعتبار بیشتری پیدا کند.

- بانک‌ها می‌توانند با ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی‌های حرفه‌ای به SMEها کمک کنند تا فرصت‌های بالقوه بازار و رشد آن‌ها را شناسایی کنند.

- بانک‌ها با آگاه کردن SMEها از منابع متنوع تأمین مالی یا محصولاتی که می‌توانند به بازار ارائه دهند، منافع دوسویه‌ای را ایجاد می‌کنند.

- ردیابی و وصول مطالبات معوق باید از فرآیندی روان‌تر و سریع‌تر برخوردار شود.

- SMEها علی‌رغم وابستگی به منابع مالی بانکی، باید از فرصت‌های تأمین مالی همچون تأمین مالی مشترک و سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر استفاده کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، پژوهشی کاربردی است؛ زیرا به دنبال توسعه دانش کاربردی در زمینه خاص تأمین سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط است. از حیث نوع‌شناسی، از جمله پژوهش‌های توصیفی محسوب می‌شود و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات، پژوهشی کیفی به شمار می‌آید. جامعه آماری این پژوهش، شهرک‌های صنعتی

۱- معیاری است که بر اساس آن، مصاحبه زمانی متوقف می‌شود که مصاحبه‌شوندگان پاسخ‌های تکراری و مشابه هم ارائه می‌دهند.

تنظیم و جمع‌بندی پاسخ‌های کیفی و تشریحی مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط مورد مصاحبه در چارچوب مورد نظر، تلاش فراوانی شد. در نهایت پس از مطالعه عمیق و متعدد پاسخ‌های ارائه شده به پرسش‌نامه‌ها، موانع و مشکلات شرکت‌های کوچک و متوسط در دسترسی به سرمایه در گردش بر اساس میزان تکرار پاسخ‌ها و نیز نزدیکی آن با مبانی نظری در جدول زیر خلاصه شد.

در گام بعدی، به منظور شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین مشکلات و موانع دسترسی به سرمایه در گردش شرکت‌های کوچک و متوسط، از روش ۱۰ مورد اول (Top Ten) استفاده شد و از پاسخگویان خواسته شد تلاش کنند ۱۰ مورد از مهم‌ترین موانع را نام ببرند.

روزمه خود حاضر به همکاری نبودند؛ اما با توجه به اینکه از نظر تیم پژوهش، مدیران و صاحبان SMEها یکی از منابع اصلی شناسایی مشکلات سرمایه در گردش و نیز از صاحبان منافع اصلی نتایج این پژوهش به شمار می‌آمدند، تلاش‌های فراوان و مستمری شد تا با تعداد قابل توجهی از آن‌ها مصاحبه شود. این امر تحقق یافت که نتایج آن در ادامه آمده است. از نقاط قوت فرایند مصاحبه، انجام شدن بیشتر گفت‌وگوها در جلسات مشترک و با حضور تیمی پاسخگویان بود. در موارد زیادی زمان گفت‌وگو، حدود ۴ ساعت به طول می‌انجامید؛ در نتیجه در حین مصاحبه، تعاطی نظرات و افکار مصاحبه‌شوندگان باعث غنای بیشتر نتایج مصاحبه شد. با توجه به نیمه‌باز مطرح شدن سؤالات پرسش‌نامه، تحلیل کمی پاسخ‌ها امکان‌پذیر نبود؛ بر این اساس برای

جدول (۱) چارچوب پرسشنامه نیمه‌ساختار یافته شناسایی موانع و مشکلات دسترسی به سرمایه در گردش شرکت‌های کوچک و متوسط از نظر مدیران این بنگاه‌ها

موانع تأمین سرمایه در گردش	متغیرها	حوزه
	عوامل اقتصاد ملی	محیط کلان
	قوانین و مقررات عمومی کشور	
	عملکرد و رفتار دولت	
	توسعه اطلاع‌رسانی ملی	محیط تأمین مالی
	قوانین و مقررات تأمین مالی	
	ابزارها و روش‌های تأمین مالی	
	توسعه نهادهای مالی	
	راه‌اندازی نهادهای مالی اختصاصی شرکت‌های کوچک و متوسط	
	اتحاد مالی شرکت‌های کوچک و متوسط	ویژگی‌های SMEها
	ساختار محیط تأمین مالی و کیفیت آن	
	نیازهای آموزشی	
	انتشار اطلاعات	
	حمایت‌های دولت در حوزه ضمانت‌ها	
	وضعیت ریسک و بی‌اطمینانی	
	عملکرد مالی	
	دسترسی شرکت‌ها به اطلاعات محیطی	
	سایر مسائل داخلی شرکت‌ها	

متغیرهای پژوهش

موانع تأمین مالی سرمایه در گردش شرکت‌های کوچک و متوسط در قالب چند طبقه اصلی مطالعه شده است. محیط کلان، اولین دسته است. منظور از این سطح از عوامل، متغیرهایی است که در سطح ملی بر همه نظام‌های یک کشور و به تبع آن بر نظام تأمین سرمایه در گردش شرکت‌های کوچک و متوسط نیز مؤثر است [۲۴]. در این بخش می‌توان به عوامل اقتصادی (مثل تورم، نرخ بهره، نقدینگی، سیاست‌های مالی و پولی دولت و...)، رفتار دولت، قوانین و مقررات و محیط اطلاعاتی اشاره کرد [۲۴]. دسته دوم عوامل خارج از کنترل مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط، عوامل محیط تأمین مالی است که البته قابل کنترل تر از عوامل محیط کلان است و اثر مستقیم و سریع تری بر تأمین سرمایه در گردش آن‌ها دارد. از جمله این عوامل می‌توان به مقررات تأمین مالی [۱۵، ۱۷، ۲۰]، ابزارها و روش‌های تأمین مالی [۱۵، ۱۷، ۲۹، ۲۴، ۳۳]، نهادهای تأمین مالی [۱۸، ۳۴]، اتحادهای مالی [۱۴، ۲۳، ۲۴]، ساختار و کیفیت محیط تأمین مالی [۱۶، ۱۸، ۲۷] و نهادهای تأمین مالی خاص شرکت‌های کوچک و متوسط [۲۳] اشاره کرد. ویژگی‌های شرکت‌های

کوچک و متوسط، سطح سوم از عوامل مؤثر بر توان تأمین سرمایه در گردش برای این شرکت‌ها است [۱۸، ۲۴، ۳۳، ۳۵]. بسیاری اوقات باوجود آمادگی و حمایت محیط بیرونی، خود این شرکت‌ها مشکلات و محدودیت‌هایی دارند که به مانعی جدی در تأمین سرمایه در گردش کافی و مناسب تبدیل می‌شود. این عوامل می‌تواند از ساختار نامناسب سرمایه [۱۱، ۲۴]، توان مالی [۶، ۱۴]، مدیریت ریسک [۱۴، ۲۴]، اندازه [۱۱]، مالکیت [۴]، اعتبار [۷]، مهارت‌ها [۲۳، ۳۰، ۳۱]، شفافیت اطلاعاتی [۱۸، ۳۵]، مدیریت غلط، ماهیت صنعت تحت فعالیت، نبود منابع لازم، دسترسی به اطلاعات [۲۳، ۱۹، ۳۶] و مواردی از این نوع حاصل شود.

موانع و مشکلات تأمین به موقع سرمایه در گردش

پس از مطالعه عمیق و متعدد پاسخ‌های ارائه شده به پرسش‌نامه‌ها، موانع و مشکلات شرکت‌های کوچک و متوسط در دسترسی به سرمایه در گردش، بر اساس میزان تکرار پاسخ‌ها و نیز نزدیکی آن با مبانی نظری، در جدول (۲) خلاصه شد.

جدول (۲) موانع و مشکلات دسترسی به سرمایه در گردش SMEها از نظر مدیران این بنگاه‌ها

حوزه	متغیرها	موانع تأمین سرمایه در گردش
محیط کلان	عوامل اقتصاد ملی	<ul style="list-style-type: none"> • رکود تورمی سال‌های اخیر که حاصل تحریم و بی‌ثباتی اقتصادی و مدیریتی کشور بوده است و نقدینگی SMEها را به حدود یک سوم قبل از آن کاهش داده است: بر اثر کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز و نیز تورم بالا بسیاری از افرادی که مجوز گرفته‌اند، توان مالی لازم را برای تجهیز ماشین‌آلات و راه‌اندازی خط تولید خود ندارند. شرکت‌های بزرگ دولتی پرداخت مطالبات را با تأخیر انجام می‌دهند و این امر نیز در شرایط کمبود تقاضا، نقدینگی SMEها را با مشکل مواجه می‌کند. • اجرانکردن صحیح سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی: مدیریت شهرک‌های صنعتی به خود صنایع واگذار نشده است و حتی دولت در عین حفظ حاکمیت خود، مازاد نیروی انسانی خود را به آن‌ها تحمیل می‌کند. واگذاری شبه‌انحصاری برخی امور، نظیر مخابرات باعث شده است SMEها در

<p>تأمین زیرساخت‌های خود با مشکل مواجه شوند.</p> <ul style="list-style-type: none"> • حاکمیت، مدیریت و امور خدماتی شهرک‌های صنعتی مطابق قانون تأسیس، نحوه واگذاری این شهرک‌ها و نیز سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی باید به خود این شهرک‌ها و شرکت‌های مستقر در آن‌ها واگذار می‌شده است؛ اما با مطرح کردن مواردی چون اساسنامه همسان و... این‌گونه نشده است و عملاً چندگانگی و تعارض مدیریتی دولتی و خصوصی و نیز تورم نیروی انسانی بر مدیریت این شهرک‌ها حاکم شده است. • چند نرخی بودن ارز، عوارض، بیمه و... • هزینه‌های داخلی بنگاه‌ها به دلیل استهلاک ماشین‌آلات و محدودیت دسترسی به تجهیزات و ماشین‌آلات جدید افزایش یافته است و بخش عمده‌ای از منابع مالی، صرف تعمیر و نگهداری تجهیزات فرسوده شده است؛ همچنین به علت نداشتن دسترسی به ماشین‌آلات کشورهای پیشرفته، واردات مواد و تجهیزات دست دوم از کشورهای در حال توسعه بازم منابع مالی را به هدر می‌دهد. • بحران شرکت‌های دولتی و بزرگ، خودروسازی و پتروشیمی، فروش محصولات به این شرکت‌ها و تأمین مواد از آن‌ها را با مشکل مواجه کرده است و موجب تأخیر در پرداخت‌های آن‌ها شده است و در نتیجه بخش عمده‌ای از منابع مالی SMEها را بلوکه کرده است. • آموزش‌های دانشگاهی و فنی و حرفه‌ای کلی هستند و با نیاز صاحبان صنعت متناسب نیستند؛ در نتیجه، بنگاه‌ها در استفاده از شیوه‌های نوین تولید ناتوانند و اگر هم بخواهند چنین کنند، باید بخش عمده‌ای از منابع مالی خود را به آموزش اختصاص دهند. • دولت در تأمین مواد اولیه، نقشی ایفا نمی‌کند. 	
	<p>قوانین و مقررات عمومی کشور</p> <ul style="list-style-type: none"> • با وجود قوانین و مقررات متعدد بر اساس سیاست‌های کلان امروز کشور، بخصوص آزادسازی اقتصادی و توسعه بخش خصوصی و تعاونی، قانون یکپارچه و منسجمی درباره حاکمیت، مدیریت و حمایت از SMEها در کشور وجود ندارد. • قانون تجارت و صادرات و واردات قدیمی است و به سال ۱۳۱۰ باز می‌گردد. • اجرانکردن قوانین و مقررات مالیاتی به نفع SMEها: معافیت‌های مالیاتی، ماده ۱۳۸ قانون امور مالیاتی: معافیت مالیاتی با فاصله مشخص از مرکز شهر، اجرا نشده است. مالیات بر ارزش افزوده چندین بار اخذ می‌شود و قیمت تمام‌شده کالا را افزایش می‌دهد؛ در حالی که در شرایط تورمی، اخذ مالیات بر ارزش افزوده، مناسب نیست. • قوانین و مقررات بیمه‌ای به نفع SMEها نیست: پرداخت بخش عمده‌ای از سهم بیمه کارگران شرکت‌هایی که کارگران ثبت‌نامی در مؤسسات کاریابی، استخدام‌های ۳ ماهه، را استخدام می‌کنند، بر عهده دولت قرار گرفته است؛ با این حال پرداخت نشده است. سهم بیمه کارفرما در ایران نسبت به دیگر کشورها (۸ تا ۱۱ درصد در مقایسه با ۲۳ درصد در ایران) بسیار زیاد است. • قوانین و مقررات بانکی به نفع SMEها نیست: ضوابط و معیارهای اعطای منابع مالی، بیشتر مناسب شرکت‌های بزرگ است و تضمین‌هایی که از یک شرکت کوچک مطالبه می‌شود، در حد توان آن نیست. بانک‌ها برای واردات مواد و تجهیزات، ۱۳۰ درصد گشایش اعتبار می‌خواهند؛ در حالی که طبق قانون حمایت از تولید، باید ۱۰ درصد دریافت کنند. قانون چک، بسیار ضعیف است و نبود یک سیستم رتبه‌بندی در دادن دسته چک به افراد و شرکت‌ها، باعث می‌شود چک‌های بی‌محل بسیاری صادر شود و به همین دلیل در پرداخت مطالبات بنگاه‌ها تأخیر رخ دهد. • استانداردهای فنی، ایمنی، محیط زیست، کار و بهداشتی پیش از اعطای مجوز، رعایت نشده‌اند؛

<p>از این رو پس از تأسیس شرکت، محدودیت‌های بسیاری را برای SMEها به وجود می‌آورند.</p> <ul style="list-style-type: none"> • قراردادهای دفترچه‌های واگذاری به صورت یک‌طرفه تنظیم شده‌اند و شرکت شهرک-های صنعتی استان هر زمان که اراده کند، زمین واگذاری را به نرخ زمان واگذاری بازپس می‌گیرد و به نرخ روز می‌فروشد؛ در حالی که زیرساخت‌های لازم در شهرک را از محل منابع مالی حاصل از واگذاری قبلی فراهم آورده است. باین حال به این امر توجه نمی‌شود که علت راه نیفتادن یا تعطیلی شرکت باید کارشناسی شود. 		
<ul style="list-style-type: none"> • برنامه‌ها و رفتارهای دولت ثابت، یکپارچه و منسجم نیست: نرخ‌های سود، بهره، قوانین و... بسیار تغییر می‌کنند. • دولت به وعده‌های خود مانند معافیت مالیاتی، بیمه‌ای و... عمل نمی‌کند. • فرهنگ عمومی جامعه، مدیران و کارشناسان دولتی، شهرداری‌ها، بیمه‌ها، رسانه‌ها، بهداشت، قضات و دادگستری‌ها، بانک‌ها و... ضد تولید است. • اعتبارات طرح بنگاه‌های زودبازده به جای واگذاری به افراد موفق و باتجربه به منظور توسعه فعالیت خود و اشتغال‌زایی، به طور عمده به افراد بی تجربه و بدون دانش اعطا شد و در نتیجه منابع مالی بسیاری را هدر داد. • راهبرد یکپارچه و منسجمی در خصوص SMEهای کشور وجود ندارد. • دولت SMEها را همانند طفلی بی سرپرست به حال خود رها کرده است: تأمین مالی اولیه صورت گرفته است، اما تأمین سرمایه در گردش با بوروکراسی و موانع شدیدی همراه است. • در خصوص تولید، واردات و تأمین مالی، در تصمیمات دولت، تعدد و بی‌ثباتی وجود دارد. • کارشناسی ضعیف در واگذاری زمین، اعطای مجوزها و تأمین مالی: طرح‌های توجیهی صرفاً جابه‌جایی واژه‌های کلیدی هستند و تفاوت معناداری با هم ندارند. صاحبان صنایع عموماً معتقدند بیشتر اقدامات دولت به گونه‌ای است که بدترین مردم، بیشترین بهره را می‌برند. • خرید بسیاری از خرید مواد، قطعات و محصولات شرکت‌های دولتی از پیمانکاران رانته صورت می‌گیرد و در نتیجه محیط رقابتی از بین می‌رود و شرکت‌های دارای رانت، موفق و دیگران از دور خارج می‌شوند. • سیستم مدیریت دولتی شهرک‌های صنعتی به جای نگاه حمایتی، تشویقی به شهرک‌ها و توانمندسازی آن‌ها، نگاه درآمدی به آن‌ها دارد. • دولت، زیرساخت‌های لازم مانند آب و فاضلاب، ارتباطات، بهداشت، ایمنی، حمل و نقل و... را که مطابق قانون باید در شهرک‌های صنعتی برای فعالیت SMEها فراهم بیاورد، تأمین نکرده است. • تعامل ضعیف مدیران دولتی، بویژه مدیران شهرک‌ها و شرکت‌های صنعتی با صاحبان صنایع که موجب ایجاد جوّ بی‌اعتمادی شده است. • سازمان‌های بسیاری در امور SMEها همچون اعطای مجوز، تعیین نام برند، تغییر نام و... درگیرند و موجبات تصمیمات متعدد، کندشدن امور و فرایندهای طولانی را فراهم می‌آورند. 	<p>عملکرد و رفتار دولت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • آمار و اطلاعات رسمی در خصوص متغیرهای اقتصادی خرد و کلان، قابل اتکا نیست. • نبود سیستم‌های اطلاع‌رسانی رسمی، آسان و شفاف در خصوص سیاست‌ها، راهبردها، تصمیمات، قوانین و مقررات، امتیازات، حمایت‌ها و مشوق‌های مالی و دیگر موضوعات مربوط به SMEها: بسیاری از شرکت‌ها از زمان، چگونگی و شرایط پرداخت تسهیلات بسته حمایتی هدفمندی یارانه‌ها 	<p>توسعه اطلاع‌رسانی ملی</p>	

<p>اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند.</p> <ul style="list-style-type: none"> • آمار و اطلاعات فعالیت شرکت‌ها و شهرک‌ها، همچون تولید و اشتغال به صورت نادرست به مراکز تصمیم‌گیری انعکاس داده می‌شوند. 		
<ul style="list-style-type: none"> • با تمامی بنگاه‌ها به یک صورت برخورد می‌شود: بنگاهی که در حال فعالیت چندساله است با یک بنگاه تازه تاسیس متفاوت است؛ افراد با تجربه با افراد کارآفرین متفاوتند؛ بنابراین باید با هر بنگاه به صورت یک مورد خاص رفتار شود. • سیستم رتبه‌بندی اعتباری وجود ندارد. • نرخ بهره اعتبارات تولید بسیار بالاست و با نرخ بازگشت سرمایه در تولید، بویژه با محیط ایران، تناسبی ندارد. • قوانین و معیارهای سرمایه‌گذاری خارجی یکسان است. 	<p>قوانین و مقررات تأمین مالی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • ابزارهای تأمین مالی متنوع نیستند و صرفاً بر نظام بانکی استوارند. • اولین ابزار در تأمین سرمایه در گردش، تزریق نقدینگی بانکی است؛ درحالی‌که تزریق نقدینگی مستمر با وجود مشکلاتی چون تورم، تأخیر در پرداخت‌ها، کاهش ارزش پول ملی، بهره‌وری اندک بنگاه، تکنولوژی و روش مدیریتی سنتی و مانند این‌ها، راه‌حلی بی‌فایده است. نقدینگی جدید، صرفاً در حالت بحران شدید یا هنگام توسعه بنگاه، اقدامی مفید است. • مشوق‌ها و حمایت‌های مالی، همواره نقدی است که این امر موجب ایجاد رانت می‌شود؛ در حالی‌که معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای و تأمین مواد اولیه، راه‌حل‌های بهتری هستند. • سرمایه‌های خرد جامعه با توجه به نرخ بالای سود در سفته‌بازی و سپرده‌گذاری بانکی، به سمت تولید حرکت نمی‌کنند. • اعتباراتی همچون صندوق توسعه ملی و حمایت از تولید، نه بر اساس رتبه اعتباری، بلکه بر اساس معیارهایی پرداخت می‌شود که در کوتاه‌مدت بر آورده نمی‌شوند؛ مثلاً شرکت باید تصفیه حساب بیمه ارائه کند؛ در حالی‌که ممکن است دعاوی بیمه‌ای داشته باشد که در کوتاه‌مدت حل نمی‌شوند. • بازپرداخت اعتبارات دولتی و بانکی باید در کوتاه‌مدت صورت گیرد؛ درحالی‌که بازه تولید، امری زمان‌بر است. • سازوکارهای استفاده از ابزارهایی مثل اوراق مشارکت، بازار سرمایه و سهام ... برای SMEها وجود ندارد. 	<p>ابزارها و روش‌های تأمین مالی</p>	<p>محیط تأمین مالی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • نهادهای مالی و بانکی خاص SMEها وجود ندارند یا ضعیف هستند. • نهادها، مؤسسات و صندوق‌های مشترک تأمین مالی بین SMEها وجود ندارد. • نهادها، مؤسسات و صندوق‌های مشترک تأمین مالی بین شهرک‌های صنعتی وجود ندارد. • مؤسسات اعتبارسنجی و مشاوره‌ای مالی وجود ندارد. 	<p>توسعه نهادهای مالی، راه‌اندازی نهادهای مالی اختصاصی شرکت‌های کوچک و متوسط، اتحاد مالی شرکت‌های کوچک و متوسط</p>	

<ul style="list-style-type: none"> • در ساختار و فرایندهای تأمین مالی، بوروکراسی شدید وجود دارد. • ساختار تأمین مالی، عموماً دولتی و تکلیفی و بدون توجه به سیستم رتبه‌بندی اعتباری است. • در اعطای تسهیلات دولتی، اولویت‌بندی و دسته‌بندی واحدهای صنعتی وجود ندارد: اختصاص اعتبارات از سوی کارگروه مستقر در سازمان صنعت و معدن و تجارت صورت می‌گیرد و همه شهرک‌ها، ناحیه‌ها، کارخانه‌های سرخیابان‌ها و دکه‌ها را بدون توجه به نوع و ماهیت آن‌ها به یک چشم نگاه می‌کند؛ درحالی‌که باید در خود شهرک‌ها، معیارهایی وجود داشته باشد و اعتبارات بر مبنای آن تخصیص یابد. • نظارت بر مصارف اعتبارات دولتی و بانکی، صرفاً پیش از اعطای اعتبار و به صورت یکسان برای همه صورت می‌گیرد و در حین مصرف، براعتبار و نتایج آن نظارت نمی‌شود. اعتبارات طرح بنگاه‌های زودبازده، نمونه بارز نظارت‌نکردن به چگونگی مصرف اعتبارات اعطایی است. • مدیران و کارشناسان بانکی در خصوص تولید و محیط فعالیت SMEها ضعیف عمل می‌کنند. • تسهیلات در زمان‌های مشخص و معین اعطا می‌شوند. • در سیستم بانکی و موسسات اعتباری، فساد و رانت‌جویی وجود دارد. • بانک‌ها نسبت به سرمایه‌گذاری در SMEها و انعقاد قراردادهای ناموزون بی‌میل هستند. • میزان سهم آورده سرمایه‌گذار از کل سرمایه مورد نیاز برای تأسیس واحد تولیدی، به‌طور دقیق بررسی نمی‌شود. • تحریم، مانع انتقال سود صاحبان سهام سرمایه‌گذاران خارجی است. • تحریم پولی، باعث ازبین رفتن انگیزه صادرات شده است. • دفاتر سرمایه‌گذاری خارجی دچار ضعف اطلاعاتی، دانشی، کارشناسی و زبان هستند. • بانک‌ها و مدیران دولتی از محل کارخانه، به‌صورت حضوری، کارشناسی نمی‌شوند. 	<p>ساختار محیط تأمین مالی و کیفیت آن</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • ورود چشم‌بسته و بدون کارشناسی بسیاری از صاحبان صنایع به محیط تولید • ورود چشم‌بسته به یک کسب‌وکار، بدون توجه به اشباع‌بودن بازار آن کسب‌وکار • جدانبودن مالکیت از مدیریت در بسیاری از بنگاه‌های کوچک • نسبت‌دادن تمامی مشکلات مالی شرکت به بیرون از بنگاه • از دست رفتن بازارها با دید کوتاه‌مدت و تولید کالاهای بی‌کیفیت و با قیمت بالا • اتکای صرف به منابع مالی دولتی و بانکی • دانش و تخصص ناکافی در کسب‌وکار مربوط • ضعف دانش مدیریت مالی مدیران SMEها • نبود درک، به‌دلیل استفاده‌نکردن از فناوری‌ها و شیوه‌های جدید تولید، بازاریابی، توزیع و فروش • انگیزه‌هایی غیر از تولید مانند سفته‌بازی و رانت‌جویی و... در ورود به محیط تولیدی 	<p>مدیریت SMEها</p>	<p>ویژگی‌های SMEها</p>
<ul style="list-style-type: none"> • انتشارندادن اطلاعات مربوط به میزان دارایی‌ها و سرمایه واقعی شرکت • انتشارندادن اطلاعات مربوط به سودآوری، بدهی‌ها و دیگر اطلاعات مالی شرکت • نداشتن سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی مثل وب‌سایت و... • نبود سیستم‌های مدیریت و اشتراک دانش و اطلاعات در بنگاه‌ها، بین بنگاه‌ها و شهرک‌های صنعتی 	<p>انتشار اطلاعات</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • دفترچه‌های واگذاری از سوی بانک‌ها برای ضمانت پذیرفته نمی‌شوند. • صندوق ضمانت شرکت شهرک‌های صنعتی، درصد کمی از اعتبارات را ضمانت می‌کند. 	<p>حمایت‌های دولت در حوزه</p>	

<ul style="list-style-type: none"> • ضمانت‌های درخواستی از سوی بانک‌ها، نشدنی و سنگین است. • معیارهای عملکردی مثل تولید، فروش، گردش مالی، چک برگشتی، تعداد کارگران و... در تضمین اعتباری نقش بسیار ضعیفی دارند. 	<p>ضمانت‌ها</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ریسک‌پذیری کم است. • به دلیل اطمینان اندک، صاحبان سرمایه، آورده شخصی کمی دارند. • به دلیل جو متلاطم و بی‌ثبات، سرمایه‌گذاران خطرپذیر نیز وارد محیط تولید نمی‌شوند. 	<p>وضعیت ریسک و بی‌اطمینانی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • آورده صاحبان صنایع، کمتر از سهم دولت است. • به کاهش هزینه‌ها توجه نمی‌شود. 	<p>عملکرد مالی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • دسترسی به منابع اطلاعاتی بیشتر به صورت غیر رسمی و رانتهی است. • دانش و تخصص لازم در دسترسی به اطلاعات، ضعیف است. • سیستم‌های اطلاعاتی لازم برای دسترسی به اطلاعات وجود ندارند. 	<p>دسترسی شرکت-ها به اطلاعات محیطی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ساختار و مدیریت ضعیف سیستم هیأت‌امنا و شرکت‌های توسعه و عمران: سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی کشور با ایجاد اساسنامه همسان، حاکمیت، مدیریت و نظارت بر شهرک‌های صنعتی را شرکتی خصوصی به شمار می‌آیند، در اختیار دولت قرار داده است. اساسنامه هیأت‌امنا و شرکت‌های توسعه و عمران، صرفاً ماهیتی خدماتی و نه مدیریتی به آن‌ها داده است. • شرکت‌ها صرفاً اجتماع فیزیکی دارند و در آن‌ها اشتراک حاکمیت، مدیریتی، دانشی و مالی وجود ندارد. • به کوچک‌سازی و تجدید ساختار در موقع بحران توجه نمی‌شود. • از امور مشترک بین شرکت‌ها و شهرک‌ها مثل امور حقوقی، بازاریابی، مالی، فروش و... استفاده نمی‌شود. • بسیاری از SMEها به پژوهش و توسعه توجه نمی‌کنند. • بسیاری از SMEها با مراکز علم و فناوری و دانشگاه‌ها ارتباطی ندارند. 	<p>سایر مسائل داخلی شرکت‌ها</p>

در گام بعدی برای شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین مشکلات و موانع دسترسی به سرمایه در گردش شرکت‌های کوچک و متوسط، از روش ۱۰ مورد اول (Top Ten) استفاده شد و از پاسخگویان خواسته شد تلاش کنند ۱۰ مورد از مهم‌ترین موانع را نام ببرند. جمع‌بندی حاصل از این روش، ۱۰ مانع اصلی و مهم در دسترسی بموقع و کافی شرکت‌های کوچک و متوسط به سرمایه در گردش در دو طرف عرضه و تقاضای منابع مالی، در ادامه تشریح شده است. موانع و مشکلات تأمین بموقع سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیرات عمده‌ای بر جای می‌گذارد.

عرضه منابع مالی و نیز طرف تقاضای منابع مالی، قابل بررسی است. در طرف عرضه منابع مالی که به خارج از بنگاه و محدوده تحت مدیریت آن باز می‌گردد، عواملی نظیر محیط اقتصادی کلان، اطلاع‌رسانی، قوانین و مقررات کشور، رفتار دولت‌ها، محیط تأمین مالی، ساختار بازار سرمایه، قوانین و مقررات مالی، نهادهای تأمین مالی و رفتار و فرایندهای آن‌ها، تضمین‌های اعتباری و رتبه‌بندی اعتباری و مانند این‌ها، بر نحوه تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های کوچک و متوسط تأثیرات عمده‌ای بر جای می‌گذارد.

۵- کارشناسی ضعیف در اعطای تسهیلات دولتی و بانکی؛

۶- بوروکراسی شدید در فرآیندهای دولتی و بانکی؛

۷- نظارت و کنترل ضعیف بر چگونگی مصرف منابع مالی دولتی و بانکی؛

۸- تحریم، بی‌ثباتی تصمیمات و محیط کلان اقتصادی کشور؛

۹- تغییرات زیاد در نرخ ارز، بهره و سود بانکی؛

۱۰- نبودن نهادها و ابزارهای خاص تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط.

ب. موانع و مشکلات اصلی طرف تقاضا (مدیریت شهرک‌های صنعتی و شرکت‌های کوچک و متوسط):

۱- ورود بدون کارشناسی و بازارشناسانه به محیط کسب و کار و نگاه سنتی به تولید و کسب و کار؛

۲- اتکای صرف به منابع مالی دولتی و بانکی؛

۳- ضعف دانش مدیریت مالی مدیران SMEها؛

۴- نبود درک، به دلیل استفاده نکردن از فناوری‌ها و شیوه‌های جدید تولید، بازاریابی، توزیع و فروش؛

۵- وجود انگیزه‌هایی غیر از تولید مانند سفته‌بازی و رانت‌جویی و... در ورود به محیط تولیدی؛

۶- نبود سیستم‌های مدیریت و اشتراک دانش و اطلاعات در بنگاه‌ها، بین بنگاه‌ها و شهرک‌های صنعتی؛

۷- پذیرفتن دفترچه‌های واگذاری از سوی بانک‌ها برای ضمانت؛

۸- ورود چشم‌بسته و بدون کارشناسی بسیاری از صاحبان صنایع به محیط تولید؛

۹- ساختار و مدیریت ضعیف سیستم هیأت‌امنا و شرکت‌های توسعه و عمران: سازمان صنایع کوچک و

شهرک‌های صنعتی کشور با ایجاد اساسنامه همسان،

در طرف تقاضای منابع مالی که به داخل بنگاه و محدوده تحت مدیریت آن باز می‌گردد، موارد بسیاری وجود دارد که می‌تواند یک مانع یا توانمندساز تأمین مالی به شمار آید. از جمله این موارد می‌توان به ساختار سرمایه، توان مالی، ریسک‌پذیری، اندازه، دوره عمر، مالکیت، اعتبار، مهارت‌ها، افشای اطلاعات، برنامه‌های توسعه، سودآوری و تقسیم سود، ماهیت کسب و کار و دسترسی اطلاعاتی اشاره کرد. ۱۰ مانع اصلی و مهم در دسترسی بموقع و کافی شرکت‌های کوچک و متوسط ایران به سرمایه در گردش در دو طرف عرضه و تقاضای منابع مالی، عبارت‌اند از:

الف. موانع و مشکلات اصلی طرف عرضه (محیط کلان و ویژگی‌های شرکت‌های کوچک و متوسط):

۱- ضعف سیستم تضمین اعتباری و نبود سیستم رتبه‌بندی اعتباری در اعطای تسهیلات: صندوق ضمانت شرکت شهرک‌های صنعتی، درصد کمی از اعتبارات را ضمانت می‌کند؛ ضمانت‌های درخواستی از سوی بانک‌ها ناشدنی و سنگین هستند؛ معیارهای عملکردی مثل تولید، فروش، گردش مالی، چک برگشتی، تعداد کارگران و... در تضمین اعتباری، نقش بسیار ضعیفی دارند؛

۲- نبود سیستم تضمین پرداخت قراردادهای پیمانکاری شرکت‌های کوچک با شرکت‌های بزرگ؛

۳- قوانین، مقررات و رفتارهای ضد تولید دولت، جامعه، رسانه‌ها و بانک‌ها؛ عملیاتی نشدن وعده‌های دولتی مثل معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای و ممانعت از خروج کشور بدهکاران بانکی و...؛

۴- کارشناسی ضعیف در اعطای مجوزهای تولیدی؛

حاکمیت، مدیریت و نظارت بر شهرک‌های صنعتی را که شرکتی خصوصی به شمار می‌آیند، در اختیار دولت قرار داده است. اساسنامه هیأت‌امنا و شرکت‌های توسعه و عمران، صرفاً ماهیتی خدماتی و نه مدیریتی به آن‌ها داده است. شرکت‌ها صرفاً اجتماع فیزیکی دارند و اشتراک حاکمیتی، مدیریتی، دانشی و مالی در آن‌ها وجود ندارد. خدمات مشترک بین شرکت‌ها و شهرک‌ها مثل امور حقوقی، بازاریابی، مالی، فروش و... ارائه نمی‌شود؛

۱۰- دسترسی به منابع اطلاعاتی، بیشتر به صورت غیر رسمی و رانتی است؛ دانش و تخصص لازم در دسترسی به اطلاعات ضعیف است؛ سیستم‌های اطلاعاتی لازم برای دسترسی به اطلاعات وجود ندارند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی یکی از مشکلات اساسی شرکت‌های کوچک و متوسط، یعنی دسترسی بموقع و کافی به سرمایه در گردش، مسئله اصلی این پژوهش بود. باتوجه به یافته‌های پژوهش، موانع و مشکلات تأمین بموقع سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط در دو حوزه بیرونی و درونی، قابل بررسی است. حوزه بیرونی و درونی، شامل طرف عرضه منابع مالی و طرف تقاضای منابع مالی می‌شود. در طرف عرضه منابع مالی که به خارج از بنگاه و محدوده تحت مدیریت آن باز می‌گردد، عواملی نظیر محیط اقتصادی کلان، اطلاع‌رسانی، قوانین و مقررات کشور، رفتار دولت‌ها، محیط تأمین مالی، ساختار بازار سرمایه، قوانین و مقررات مالی، نهادهای تأمین مالی و رفتار فرایندهای آن‌ها، تضمین‌های اعتباری و رتبه‌بندی اعتباری و مانند این‌ها، بر نحوه تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های کوچک و متوسط تأثیرات عمده‌ای بر جای

می‌گذارد. در طرف تقاضای منابع مالی که به درون بنگاه و محدوده تحت مدیریت آن باز می‌گردد، موارد بسیاری وجود دارد که می‌تواند یک مانع یا توانمندساز تأمین مالی به شمار آید. از جمله این موارد می‌توان به ساختار سرمایه، توان مالی، ریسک‌پذیری، اندازه، دوره عمر، مالکیت، اعتبار، مهارت‌ها، افشای اطلاعات، برنامه‌های توسعه، سودآوری و تقسیم سود، ماهیت کسب‌وکار و دسترسی اطلاعاتی اشاره کرد. با شناسایی دقیق موارد فوق به طراحی پرسش‌نامه نیمه‌ساختاریافته، برای مصاحبه با مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط مستقر در شهرک‌های صنعتی اقداماتی صورت گرفت. پس از مطالعه عمیق و متعدد پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسشنامه‌ها، کلیه موانع و مشکلات شرکت‌های کوچک و متوسط در دسترسی به سرمایه در گردش، بر اساس میزان تکرار پاسخ‌ها و نیز نزدیکی آن با مبانی نظری، در جدول (۲) خلاصه شد. برای شناسایی اولویت‌بندی مهم‌ترین مشکلات و موانع دسترسی به سرمایه در گردش شرکت‌های کوچک و متوسط، از روش ۱۰ مورد اول (Top Ten) استفاده شد و از پاسخگویان خواسته شد تلاش کنند ۱۰ مورد از مهم‌ترین موانع را نام ببرند که به این موارد نیز به صورت مشخص، اشاره شد. به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش در مطالعات بعدی، شناسایی مشکلات تأمین مالی و ارائه راهکارهای دسترسی به سرمایه در گردش و تأمین مالی، مورد استفاده قرار خواهند گرفت؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در پژوهش‌های آتی با استفاده از چارچوب مفهومی و نتایج این پژوهش، به ارائه راهکارهای سیاستی و عملیاتی دسترسی بموقع به سرمایه در گردش در شرکت‌های کوچک و متوسط ایران بپردازند.

منابع

- [۱] پرخیده، احمد؛ مهدی تاجیک. (۱۳۹۱). *نگاهی به چالش‌های تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی در ایران*. تهران: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.
- [۲] تمجیدی، محمد حسین. (۱۳۸۵). برنامه‌های تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط هنگ کنگ. *نامه اتاق بازرگانی*، شماره ۴۶۱، ص. ۲۳-۲۱.
- [۳] راعی، رضا و تلنگی، احمد. (۱۳۸۶). *مدیریت سرمایه‌گذاری پیشرفته*. انتشارات سمت.
- [۴] سرخی، سعید. (۱۳۹۱). تحلیل تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر اختلاف بین ارزش افزوده اقتصادی و ارزش ایجاد شده برای سهام‌دار، مورد مطالعه: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- [۵] طوروسیان، آرینه. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر رقابت بازار محصول بر ساختار سرمایه‌شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- [۶] فتحی، سعید و توکلی، یاسین. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین مدیریت سرمایه در گردش و عملکرد مالی بنگاه‌های اقتصادی. *بررسی‌های بازرگانی*. شماره ۳۶، صص: ۱۱۶-۱۰۴.
- [۷] فتحی، سعید و عسگرنژاد، باقر. (۱۳۹۰). *مدیریت تأمین مالی: گامی به سوی اصل ۴۴ قانون اساسی*. اصفهان: انتشارات نگار.
- [۸] کریمی، ع. (۱۳۹۱). *مدیریت سرمایه در گردش*. بازیابی در ۱۳۹۱، از <http://takabhesab.blogfa.com/post-7.aspx>
- [۹] محمدرضا گلعلی زاده، سید حبیب اله طباطبائی، رضا زعفریان. (۱۳۹۰). ارائه راهکار سیستمی ایجاد نهادهایی جهت تأمین مالی بنگاه‌های نوپای دانش بنیان در ایران. *مجله پارک فناوری پردیس*. ص. ۴۶-۵۲.
- [۱۰] مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). نتایج سرشماری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر. تهران: مرکز آمار ایران. دفتر صنعت.
- [۱۱] مقدس، فرنوش. (۱۳۹۰). تأثیر محدودیت‌های مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- [۱۲] موسوی سید محسن، فرهادی روح اله، هنرکار حمیدرضا. (۱۳۸۹). روش‌های تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط: بنگاه‌های کوچک و متوسط؛ پیشروان توسعه اقتصادی. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۳۱۲، ص. ۲۸.
- [۱۳] نوو، ریموند پی. (۱۳۹۰). *مدیریت مالی*. (ترجمه جهانخانی، علی و پارسائیان، علی). انتشارات سمت.
- [۱۴] واعظ سیدعلی و همکاران. (۱۳۹۳). بررسی رابطه تمرکز مالکیت و ساختار هیأت مدیره با کارایی مدیریت سرمایه در گردش. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*. جلد ۲. شماره ۱: صص ۱۱۳-۱۲۸.
- [15] Atherton, Andrew. (2012). Cases of start-up financing an analysis of new venture capitalization structures and patterns. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*. Vol. 18, No. 1, PP:28-47.
- [16] BIS. (2012). SME Access to external finance. *BIS Economics Papers*, No. 16.
- [17] Enamul Haque, Sakib Mahmud. (2003). Access to finance for SMEs: Problems and

- [27] RAM Consultancy Services Sdn Bhd. (2005). SME Access to Financing: Addressing the Supply Side of SME Financing. ASEAN, Australian Government.
- [28] Schans, D. v. (2012). *SME Access to External Finance*. London: Department for Business, Innovation & Skills (BIS).
- [29] Teruel P. J. and P. Martinez-Solano. (2007). Effects of working capital management on SME profitability. *International Journal of Managerial Finance*, Vol. 3, No. 2, 164-177.
- [30] Wardiwiyono, Sartini . (2012). Internal control system for Islamic micro financing: an exploratory study of Baitul Maal Wat Tamwil in the city of Yogyakarta Indonesia. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, Vol. 5, No. 4, PP. 340-352.
- [31] WU , Tianran. (2011). Financing difficulties and countermeasures of our Smes. *International Conference on Economics, Trade and Development IPEDR*. Vol.7.
- [32] Yeah Kim Leng., Julie Ng., Lee Tin Hui. (2005). SME ACCESS TO FINANCING: Addressing the Supply Side of SME Financing. RAM Consultancy Services.
- [33] Sarka Kocmanova., Dana KubickovaIrena Jindrichovska.(2014). Working capital management in Czech SMEs. *The 8th International Days of Statistics and Economics*, Prague, September 11-13. 709-717.
- [34] Jay S Matadeen and Sailesh Aukhorjee.(2014). Working capital management of SMEs in Mauritius. *The Business & Management Review*, Volume 4 Number 4. 228-247.
- [35] Snober Javid.(2014). Effect of working capital management on SME s performance inPakistan. *European Journal of Business and Management*. Vol.6, No.12. 206-220.
- remedies. Dhaka.*The Dhaka Chamber of Commerce and Industry (DCCI)*.
- [18] Fabbozy, Frank J., Modigliani, Franco P., Jones, Frank J. (2009). *Foundations of Financial Markets and Institutions*. (4th ed.). Prentice-Hall.
- [19] Kesseven Padachi and Carole Howorth.(2013). Focus on Working Capital Management Practices among Mauritian SMEs: Survey Evidence and Empirical Analysis. Cambridge Business & Economics Conference. ISBN: 9780974211428.
- [20] Mensah, Sam . (2004). A review of SME financing schemes in Ghana. *UNIDO Regional Workshop of Financing Small and Medium Scale Enterprises, Accra, Ghana*, 15-16 March.
- [21] Moncy, m. m. (2011). *Working Capital Finance to the SME Units: A Study with Reference to the Federal Bank LTD*. Kerala: Mahatma Gandhi University.
- [22] Muhammad Musa., Tsagem Norhani., Aripin Rokiah Ishak. (2014). Impact of working capital management and corporate governance on the profitability of small and medium Sized entities in nigeria: A proposed model. *International Journal of Science Commerce and Humanities*. Volume No 2 No 5.
- [23] OECD. (2006). *The SME Financing Gap Theory and Evidence*. Organization for Economic Co-Operation and Development.
- [24] Ogden, Joseph P., Jen, Frank C., O'Connor Philip p.(2003). *Advanced Corporate Finance: Policies and Strategies*. Prentice-Hall.
- [25] P.W.N .A. Kumari, W.V.A.D. Karunarathne. (2008). *Working capital management issues faced by SMEs in Sri Lanka Proceedings of the Annual Research Symposium - Faculty of Graduate Studies*, University of Kelaniya.
- [26] Pedro Proença, Raul M.S. Laureano and Luis M.S. Laureano.(2014). Determinants of capital structure and the 2008 financial crisis: Evidence from portuguese SMEs. *Social and Behavioral Sciences*. Volume 150, 15 September 2014, Pages 182° 191.